

# ژورنال

شماره ۹۴۱

۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ - ۱ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان

اصغر کریمی

اسپری فلفل پاسخ حقوق‌های معوقه بازنشستگان

سیما بهاری

کمبود مسکن؟ کدام کمبود؟

سینا پدرام

شادی و امید از هلاکت مقیسه و رازینی

کیوان جاوید

# فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان

اصغر کریمی

حزب کمونیست کارگری و شش جریان سیاسی دیگر فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان برای روز چهارشنبه ۳ بهمن دادند. این فراخوانها در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی و دیگر احکام اعدام صادر شده است. در فراخوان حزب کمونیست کارگری آمده است: "ما همصدا با سایر جریانات سیاسی در کردستان، همه شما مردم کردستان، کارگران و معلمان، دانشجویان و دانش آموزان، پرستاران و کارکنان ادارات، مغازه داران و رانندگان حمل و نقل را فرامیخوانیم تا روز چهارشنبه ۳ بهمن در اعتراض به حکم اعدام

پنخشان عزیزى و وریشه مرادى و عليه ساير احكام  
اعدام، كار و محل تحصيل را تعطيل كنيد و متحد  
و يکپارچه در سراسر كردستان دست به اعتصاب  
عمومى بزنيد.

تحرکات چشمگیری که علیه این احکام اعدام  
در هفته‌های گذشته در سراسر کشور و در خارج  
کشور صورت گرفته بسیار شفاف‌انگیز است و نشان  
می‌دهد که چگونه جنبش علیه اعدام، این قتل عمد  
شنیع دولتی، هر روز عمق و دامنه بیشتری پیدا کرده  
و به خواستی عمومى در جامعه تبدیل شده است.  
اعدام حربه مهمى در دست حکومت برای مرعوب  
کردن جامعه است اما این جنبش علیه اعدام است  
که دارد به رژیم فشار می‌آورد و این رژیم است

که نمی‌داند و نمی‌تواند جلو گسترش این جنبش  
بالنده را بگیرد.

تجمع روز چهارشنبه ۲۶ دی‌ماه در مقابل استانداری  
کردستان در سندج علیه حکم اعدام پخشان  
و وریشه و علیه مجازات اعدام یک نمونه از این  
تحریک گسترده است. در روزهای گذشته بسیاری  
از خانواده‌های دادخواه نیز در تجمعات خود  
خواهان لغو حکم اعدام پخشان و وریشه و سایر  
احکام اعدام شده‌اند. طومارها و بیانیه‌های مشترک  
متعددی با هزاران امضا توسط دادخواهان، فعالین  
حقوق زن، حامیان انقلاب زن زندگی آزادی، و کلا،  
هنرمندان، فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان،  
دانشجویان، شعرا، آسیب‌دیدگان چشمی، فعالین

حقوق کودک منتشر شده که حکم اعدام پخششان و سایر احکام اعدام را محکوم کرده و خواهان لغو این احکام شده‌اند. دیوار نویسی‌های وسیعی در تعدادی از شهرها علیه این احکام انجام شده و در خارج کشور نیز حرکت وسیعی به جریان افتاده است.

فراخوان اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان با واکنش مثبت مردم کردستان پاسخ خواهد گرفت و گام بزرگ دیگری جنبش علیه اعدام را به جلو خواهد برد و جمهوری اسلامی را در تنگنای بیشتری قرار خواهد داد. جنبش علیه اعدام و تلاش برای پایان دادن به حکومت اعدام سر باز ایستادن ندارد.

# اسپری فلفل پاسخ حقوق‌های معوقه بازنشستگان

## سیما بهاری

دوشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۳ مأموران حکومتی برای برهم‌زدن تجمع فرهنگیان بازنشسته از اسپری فلفل استفاده کردند.

خبر خیلی کوتاه است، اما تا اعماق قلب انسان نفوذ می‌کند. مدت‌های مدید است که فرهنگیان بازنشسته همانند غیر بازنشسته‌ها و همانند سایر بخش‌های جامعه دارند به دستمزدهای پرداخت نشده و سطح نازل حقوق‌ها اعتراض می‌کنند و پاسخ حکومت سرکوب است. آری اینجا ایران است، کسی حقوقی ندارد. حق همه بی حقوقی مطلق است.

یادتان هست که کارگران معدن در خاتون آباد به عدم پرداخت دستمزدشان اعتراض کردند و نیروی سرکوبگر حکومت آنها را به گلوله بست؟

یادتان هست که در همان روزهای اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی پاسخ جویندگان کار را در اصفهان با گلوله دادند و ناصر توفیقیان که دانشجویی کمونیست و جوینده کار بود را کشتند؟ کدام سرکوب را فراموش کرده‌ایم؟ چهل و شش سال است که سرکوب می‌کنند و می‌کشند و مقاومت می‌کنیم، ایستاده‌ایم، و مانده‌ایم. هر روز قوی‌تر از پیش و با اعتمادتر داریم برای حقان می‌جنگیم.

فرهنگیان بازنشسته از آن دسته مردمی هستند

که خستگی ناپذیر روزهای متمادی دارند از حقوق پایمال شده‌شان دفاع می‌کنند. استفاده از اسپری فلفل ضمن اینکه اوج وحشیگری رژیم است، اوج استیصالشان هم هست. از دست‌های خالی مردم می‌ترسند. نمی‌خواهند صداها به گوش همگان برسد. دادخواهان را که در اعتراض به احکام اعدام پخششان عزیزی و وریشه مرادی در سنندج تجمع کرده بودند دستگیر کردند. متعاقب آن فراخوان اعتصاب برای چهارشنبه سوم بهمن داده شد. جامعه نشان داده که نمی‌ترسد. مردم در میدان مبارزه در حال نبردی بی‌امان علیه حکومت‌اند. امروز دادخواه بازداشت می‌شود، شهر به اعتراض بلند می‌شود. در تجمع فرهنگیان اسپری فلفل زدند فریاد "بی‌شرف بی‌شرف" خیابان را پر می‌کند.



باید فراتر رفت. جمهوری اسلامی یک حکومت اشغالگر است. از آنجا که هر اعتراضی را نشان ضعف خود می‌داند، باید سرکوب کند و ما که با یک رژیم شبیه اشغالگر روبرو هستیم باید به ازاء هر تعرض رژیم دهها تعرض سازمان دهیم. اگر قوی‌تر ظاهر نشویم فردا نوبت اسپری و باطوم و ساچمه برای تجمع دیگری است. باید محکم‌تر از پیش از بازنشستگان به دفاع برخیزیم. با برپایی اعتراضات بی‌شمار در هر شهر و محله و کارخانه و مدرسه و با حمایت از اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان و با همبستگی سراسری رژیم را بیش از این محاصره کنیم. پیروز میدان ما هستیم!

## کمبود مسکن؟ کدام کمبود؟

### سینا پدرام

ابوالفضل نوروزی، مدیرکل اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی در گفت‌وگو با صدا و سیما با اشاره به خانه‌های خالی در کشور گفت: «هفت شخص حقیقی داریم که املاک بسیاری را در اختیار دارند. فردی را داریم که بیش از ۱۰۰۰ ملک و فرد دیگری هم بیش از ۵۰۰ ملک دارد.»

موضوع کمبود مسکن، بد مسکنی، گرانی مسکن و بالابودن کرایه‌خانه‌ها و عوارض مختلف گرانی مسکن اعم از پشت‌بام خوابی، کارتون خوابی و هزاران پدیده اجتماعی ناهنجار دیگر آنچنان در ایران گسترده شده است که به نظر می‌رسد

حتی فرهنگ لغات نیز از پیدا کردن لغت‌های  
درخور برای این ناهنجاری‌های نوظهور واقعاً کم  
آورده است.

انباشت سرمایه در دست عده قلیلی سرمایه‌دار  
و آیت‌الله‌های میلیاردر و آقازاده‌های مفت‌خور  
نتیجه‌ای جز بی‌خانمانی میلیونی مردم زحمت‌کش  
نداشته است. دولت و حکومت در ایران تنها  
ابزار اعمال قهر و قدرت سیاسی نیست؛ تنها  
ارگان تضمین حفظ ثروت‌های میلیاردری آقایان  
و آقازاده‌ها نیست، بلکه یک دستگاه مافیایی  
دزدسالار است که تنها وظیفه واقعی آن غارت  
حداکثر ثروت مردم است.

آنچه اهمیت دارد مبارزه متحدانه در مقابل این

غارت سازمان یافته است. مبارزه و مطالبه برای داشتن مسکن مناسب یک حق است، حقی که می تواند با بازپس گرفتن فضای شهری از سرمایه داران و مالکان آپارتمان های زنجیره ای سرمایه داران به صاحبان اصلی اش، یعنی توده میلیونی مردم بی مسکن، به حق دار برسد.

واقعیت مسلم این است که حداقل در کلان شهرهای ایران کمبود مسکن وجود ندارد. آنچه که وجود دارد توزیع ناعادلانه این امکانات اجتماعی است. با ادامه حیات سرمایه داری در ایران؛ با ادامه اقتصادی که سود سرمایه ها مهم تر از جان و حیات انسانیت و سرانجام با ادامه رژیم دزدسالار اسلامی، آرزوی توزیع عادلانه، امید پوچی است.

فقط با مبارزه متحدانه و با مصادره و توزیع تمامی خانه‌ها و آپارتمان‌های مافیای مسکن و در اختیار قراردادن این خانه‌ها به خانواده‌های بی‌مسکن می‌توان با پدیده بی‌خانمانی مبارزه کرد. داشتن یک مسکن مناسب یک حق در جوامع مدرن است. مسکن برای زندگی باید رایگان شود یا تا رسیدن به این وضعیت در ارزان‌ترین شکل ممکن با دخالت مستقیم دولت در اختیار مردم قرار بگیرد.

# شادی و امید از هلاکت مقیسه و رازینی

## کیوان جاوید

محمدجعفر منتظری، رئیس دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی در مراسم تشییع جنازه محمد مقیسه و علی رازینی گفت: "دشمن نمی‌داند از هر لاله‌ای که از دست می‌رود لاله‌های فراوانی می‌روید." او افزود: "دو سرمایه ارزشمند را از دست دادیم، اما این هزینه‌ای است که نظام برای بقای خود به کوری چشم دشمن می‌پردازد."

موج شادی‌ای که از مرگ این دو قاتل در ایران به راه افتاده است، یکبار دیگر ته دل حافظان رژیم را شدیداً خالی کرده است. شلیک همزمان به دو تن از عالی‌رتبه‌های قضایی جمهوری اسلامی

از زاویه‌ای دیگر بر شکنندگی و پوکی نظام مهر  
تأیید گذاشت و نشان داد سوراخ موش هم دیگر  
برای قایم‌شدن مقامات کم آمده است.

این دو قاضی جانی نیز قرار بود بیانگر و نمایشگر  
عزم و اراده حکومت در برابر مردم باشند؛ قرار  
بود از شنیدن اسم آنها پشت فعالین سیاسی و  
اجتماعی و معترضان بلرزد، اما حالا این جمهوری  
اسلامی است که دارد می‌لرزد و از قدرت مردم  
در همه ابعاد اجتماعی وحشت‌زده است. هدف  
قراردادن این دو قاتل این پیام را به جامعه داد  
که حکومت حتی دیگر نمی‌تواند از مهم‌ترین  
شخصیت‌های رده‌بالای خودش نیز محافظ کند.

در به‌قتل‌رساندن این دو قاضی تراز اول حکومت

دست یک "آبدارچی" در کار بوده و سران رژیم  
تقلا می کنند که او را یک مأمور حرفه‌ای مرتبط  
به سازمان مجاهدین جا بزنند تا به خیال خود  
انکار کنند در دل جامعه چه نفرت عمیقی از این  
قاتلین بی رحم موج می زند و پشت چهره هر فرد  
به ظاهر سربه‌زیر و کم حرف و مشغول به زندگی  
عادی چه دشمنان خطرناکی برای نظام به کمین  
نشسته است.

بالاخره اینکه مرگ مقیسه و رازینی در دل یک  
جنبش عظیم سرنگونی طلبی و در میانه اعتراضات  
وسیع و پر تعداد اجتماعی صورت می گیرد. این  
ترورها در شرایطی صورت می گیرد که کشتی رژیم  
با سرعت تمام در حال فرورفتن در اعماق اقیانوس  
سرنگونی است. منظره رویدادها در ایران هر روز



با سرعت عوض می‌شود. اگر فردا قتل خامنه‌ای  
یا مجتبی را شنیدید اصلاً تعجب نکنید. وقتی  
آغاز خیزش خیابانی "نیمه دوم" انقلاب زن زندگی  
آزادی شنیده شود جای هیچ تعجبی نیست. همه  
چیز برای سرنگونی مهیا است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: [journalfarsi@gmail.com](mailto:journalfarsi@gmail.com)

اینستاگرام:

[www.instagram.com](http://www.instagram.com)

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

[https://twitter.com/Journal\\_Farsi](https://twitter.com/Journal_Farsi)

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال